

به مناسبت ۲۱ دسامبر، صد و چهل و سومین سال تولد استالین

صد و چهل و سومین سال تولد استالین بر پرولتاریای جهان مبارک باد!

25.10.1401

ژوزف استالین، رهبر کبیر پرولتاریای شوروی در ساختمان سوسیالیسم و رهبر پیروزی خلق‌های جهان بر فاشیسم، یکی از یاران با ثبات لنین و یکی از دشمنان سرسخت و نرمش ناپذیر سرمایه‌داری بود. سرمایه‌داری از استالین شکست خورد لذا با کمک تروتسکیست‌های خائن به تخریب شخصیت او پرداخته و می‌پردازد.

ما در زیر مختصری از زندگی سیاسی و عملی و دستاوردهای بی نظیر او را بر می‌شماریم. مطالعه دستاوردهای استالین که در آثارش به صورت گنجینه فنا ناپذیر مارکسیسم تدون گشته است، راه ناهموارمان را در مبارزه علیه سرمایه‌داری هموار می‌سازیم.



ژوزف ویسارونویچ چوگاشویلی، بعدها ملقب به استالین، در ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ در شهر گوری در گرجستان متولد شد. او در مدرسه گوری ۵ سال درس خواهد. و به جهت فعالیت سیاسی اخراج شد. ژوزف به خاطر هوش بالا و حافظه خارق‌العاده‌اش در بین شاگردان، ممتاز و برجسته بود.

او در پانزده سالگی با یک حوزه مخفی مارکسیستی مرتبط شد و در هجده سالگی (۱۸۹۷) به عضویت اولین سازمان سوسیالیستی گرجستان درآمد.

در ماه مه ۱۹۰۰ برای پانصد کارگر که در یکی از کوه‌های تفلیس گرد آمده بودند سخنرانی کرد و در ۱۹۰۱ ایسکرا را که در لایبزیگ به چاپ میرسید در قفقاز منتشر نمود. لنین در این باره گفت، این واقعه «برای کل منطقه قفقاز دارای اهمیت تاریخی است» (یان گری - کتاب استالین - صفحه ۲۹-۳۱)

استالین در نوامبر ۱۹۰۱ به عنوان یکی از اعضای اولین کمیته حزب سوسیال دمکرات روسیه انتخاب گردید ولی یک ماه بعد در آوریل ۱۹۰۳ برای مدت سه سال به سیبری تبعید گردید. او در ۱۹۰۴ از سیبری فرار کرد و خود را به تفلیس رساند. در ۱۹۰۵ برای اولین بار در کنفرانس بلشویکی در کشور فنلاند، لنین را ملاقات کرد. در ۱۹۰۸-۱۹۰۷ با ارژونیکیدزه و ورشیلوف مبارزه وسیع قانونی ۵۰۰۰۰ کارگر صنعت نفت باکو را رهبر نمود. لنین به این مبارزه تهنیت گفت.

استالین در ۱۹۰۸ دوباره دستگیر و برای مدت دو سال به سیبری تبعید شد ولی دوباره فرار کرد و به شهر باکو بازگردید. در ۱۹۱۰ باز هم دستگیر و برای ۵ سال به سیبری فرستاده شد که در فوریه ۱۹۱۲ فرار نمود.

استالین در ۱۹۱۲ با درخواست لنین به وین رفت و در آن جا کتاب «مارکسیسم و مسأله ملی» را تدوین کرد. در همین سال او مجدداً دستگیر و به مدت پنج سال به یک منطقه دور افتاده و صعب العبور در سیبری تبعید شد. استالین در فوریه ۱۹۱۷ به پترزبورگ مراجعت کرد و به عضویت دفتر مرکزی تشکیلات سراسری حزب بلشویک انتخاب گردید.

در ژوئیه ۱۹۱۷ که لنین در فنلاند مخفیانه زندگی می‌کرد، استالین رهبری حزب در روسیه را به عهده داشت. بعد از انقلاب اکتبر که به عنوان کمیسر خلق برای مسئله ملیت‌ها انتخاب گردید، نوشت: «حق تعیین سرنوشت، حق بورژوازی نیست. بلکه حق توده‌های خلاق ملت مشخصی است. اصل حق تعیین سرنوشت سلاخی است که باید برای تحقق سوسیالیسم مورد استفاده قرار گیرد. این را باید به عنوان تابعی از اصول سوسیالیسم به حساب آورد». (یان گری - کتاب استالین - ۱۹۸۲)

در ۱۶ اکتبر ۱۹۱۷ جلسه کمیته مرکزی حزب بلشویک برای رهبری انقلاب اکتبر یک کمیته فرماندهی تحت نظر لنین انتخاب کرد. اعضای این کمیته عبارت بودند از: «استالین، ایسوردف، بوبنوف، اورتیسکی و دژبرژینسکی». (تحریف تروتسکیستی رویدادهای تاریخی - علی رسولی) در این کمیته رهبری انقلاب اکتبر، نامی از تروتسکی نیست. او به عنوان مسؤول ارتش سرخ در پترزبورگ باید زیر نظر این کمیته کار می‌کرد.

در جنگ داخلی که تهاجم کشورهای امپریالیستی، روسیه را به آتش و خون کشیده بود، تروتسکی که اکثر فرماندهان خود را از افسران تزاری انتخاب کرده بود، مرتب در جبهه‌های جنگ شکست می‌خورد. لنین در این جنگ میهنی به فرماندهان جبهه‌ها چنین تلگرام می‌فرستد: «شما موظف هستید که تمامی دستورات و توصیه‌های استالین، نماینده تام‌الاختیار شورای کمیساریای ملی را به فوریت و بدون هیچ عکس‌العملی به مرحله اجرا درآورید.... مضمون این تلگرام را فوراً به تمامی بخشها اطلاع دهید. رئیس شورای کمیساریای ملی - لنین ۸ ژوئن ۱۹۱۸». در پی اقدامات استالین، ارتش سرخ توانست نیروهای امپریالیستی را در خاک اتحاد شوروی تار و مار کند.

در سال ۱۹۱۸ آلمان به خاک شوروی حمله کرده و بخش‌هایی از آن را به اشغال درآورد. کمیته مرکزی، کمیسر امور خارجه یعنی تروتسکی را مأمور انعقاد یک قرارداد صلح با آلمان نمود (صلح برست لیتوفسک) تا ارتش و نیروهای مدافع شوروی بتوانند خود را باز سازی و آماده دفاع و حمله نمایند. تروتسکی به محل مأموریت‌اش می‌رود و برای مشورت به لنین تلفن می‌کند.

جواب لنین: «لنین با شما صحبت می‌کند. من هم اکنون نامه ویژه شما را دریافت کرده‌ام. استالین اینجا نیست، و من نمی‌توانم نامه را به او نشان دهم... به مجرد آمدن استالین، نامه شما را به او نشان خواهم داد. من مایل هستم که در وهله اول پیش از این که به سوال شما جواب دهم، با استالین مشورت کنم.» (آثار لنین - مکالمه درباره صحبت مستقیم با مسؤول هیأت نمایندگی صلح شوروی در برست لیتوفسک - جلد ۲۶ - صفحه ۴۲۱)

لنین در ماه مه ۱۹۲۲ دچار سکنه مغزی شد. او در نامه‌ای به کمیته مرکزی (که تروتسکیست‌ها آن را وصیتنامه می‌نامند) در مورد استالین می‌نویسد: «رفیق استالین که دبیر کل نامیده می‌شود، قدرت نامتناسبی را در دستان خود متمرکز کرده است و من مطمئن نیستم، که او بتواند از آن همیشه با بصیرت کافی استفاده کند.» و در مورد تروتسکی می‌نویسد: «مبارزه او علیه کمیته مرکزی، اعتماد به نفس زیاد از حد، علاقه اغراق آمیز به جانب کاملاً اداری موضوعات و در آخر، کمبود بلشویسم.» و این که «تخلفات زینوویف و کامنف برجسته‌تر از کمبود بلشویسم تروتسکی نیست.» متخلفان نامبرده تصمیمات حزب را در مورد قیام لو داده بودند. لنین درباره آن‌ها می‌نویسد: «می‌توانید اقدامی خائنانه‌تر یا اعتصاب شکنانه‌تری بدتر از این تصور کنید؟» از نظر لنین این اقدام خائنانه مضرتر از کمبود بلشویسم در تروتسکی نیست.

بعد از فوت لنین مسأله بحث «امکان ساختمان سوسیالیسم در یک کشور» که تروتسکی از سال ۱۹۰۳ علیه نظرات لنین طرح کرده بود به بحث داغی تبدیل شد که تا ۱۹۲۷ به طول انجامید. تروتسکی معتقد بود که ساختمان سوسیالیسم در یک کشور ممکن نیست. استالین همانند لنین معتقد بود که ساختمان سوسیالیسم در یک کشور ممکن است. در ۱۹۲۷ این بحث جمع بندی و به رأی گذاشته شد. طرفداران فراکسیون تروتسکی ۱ تا ۱/۵ درصد رأی آوردند و به علت دست داشتن در توطئه‌های بیشمار از حزب اخراج شدند.

در ۱۹۲۸ برنامه ۵ ساله صنعتی کردن کشور به تصویب رسید. شور و شوق زحمتکشان برای تحقق کامل این برنامه در کل تاریخ بشریت بی نظیر است. استالین در ۴ فوریه ۱۹۳۱ در مورد ضرورت صنعتی شدن چنین می‌گوید: «آیا می‌خواهید میهن سوسیالیستی ما مورد ضربه قرار گیرد و استقلالش را از دست بدهد؟ (...). ما در پس کشورهای پیشرفته ۵۰ تا ۱۰۰ سال عقب مانده‌ایم. ما باید این فاصله را در عرض ده سال پشت سر بگذاریم. یا ما قادر به انجام آن خواهیم بود یا نه خواهیم شد.» ولی فاشیست‌ها و تروتسکیست‌ها این پروسه را دیکتاتوری خونین استالینی نام نهاده‌اند.

در ۱۹۲۹ اشتراکی کردن به ویژه در زمینه کشاورزی در اتحاد شوروی آغاز شد که تا ۱۹۳۷ به طول انجامید. در عین حال صنعتی کردن نیز تا ۱۹۳۷ ادامه یافت. در این مدت طبقه کولاک‌ها نابود شد و کشور شوروی به کشوری صنعتی با تکنولوژی مدرن تبدیل گردید. زحمتکشان شوروی فاصله صد سال عقب ماندگی را در کمتر ده سال پیمودند و پیش افتادند. در مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی که یک مبارزه بی رحمانه طبقاتی است، حزب باید همیشه پاکسازی شود. اولین پاکسازی حزب در ۱۹۲۱ توسط لنین انجام شد که در آن ۲۵٪ از کل اعضای حزب اخراج شدند و حزب تحرک بیشتر و جان تازه‌ای به دست آورد. در پاکسازی ۱۹۲۹ حدود ۱۱٪ اعضا اخراج شدند. در سال‌های ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ پاکسازی بزرگ انجام گرفت که در آن بسیاری عناصر نامطلوب، جاسوس و توطئه‌گر از حزب اخراج و برخی نیز زندانی شدند.

هیتلر در مورد پاکسازی‌های استالین چنین می‌گوید: «زمانی که ما معتقد بودیم که استالین در این جریان ارتش سرخ را نابود می‌کند، سمت‌گیری اشتباه داشتیم. مسئله کاملاً عکس است. استالین گردن خود را از تمام دستجات اپوزیسیون در ارتش سرخ آزاد کرد و به آنجا رسید که دیگر یک جریان تسلیم طلبانه در داخل این ارتش وجود ندارد. هم چنین، بازسازی کمیسر سیاسی، بر نیروی مبارزه ارتش سرخ به طور خارق‌العاده‌ای تأثیر مثبت گذارده است.» (خاطرات روزانه جوزف گوبلز، قسمت دوم، نوشته‌های ۱۹۴۱-۱۹۴۵، جلد هشتم، آوریل - ژوئن ۱۹۴۳)

جنگ جهانی دوم در ۱۹۳۹ آغاز گردید و در ۱۹۴۵ پایان یافت. زحمتکشان اتحاد جماهیر شوروی به رهبری حزب بلشویک و در رأس آن استالین بزرگترین، هارترین و مسلح‌ترین کشور امپریالیستی - فاشیستی جهان را در هم کوبیدند و خود با قامت بلند و اراده‌ای پولادین برجا ایستادند. تمام این پروسه نشان داد که ساختمان سوسیالیسم در یک کشور ممکن است. در جریان جنگ، ۲۰ میلیون از مردم شوروی که در بین آن‌ها صدها هزار عضو حزب بودند در جبهه‌ها جانشان را از دست دادند. در آن اتمسفر و شرایط جنگی جای خالی اعضای پرولتری و کمونیست‌های در میدان جنگ افتاده را بسیاری از کولاک زاده‌هایی گرفتند که ظاهر از طبقه خود بریده بودند. آن‌ها در درجه اول، انتقاد و انتقاد از خود را منحل کردند و از پائین و بدنه حزب بوروکراتیسم و نهایتاً رویزیونیسم چون سرطان تا بالای حزب خود را کشاند. استالین را مسموم کردند و وقتی سکنه قلبی کرد، پزشکانش را به بند کشیدند و او را ۹ ساعت به حال خود رها کردند. ژوزف استالین در ۵ مارس ۱۹۵۳ زندگی را بدرود گفت.

خدمات این رهبر برجسته، پر دانش و عملی پرولتاریای بین‌المللی فراموش ناشدنی‌ست. ژوزف استالین کشور ویرانی را توسط پرولتاریا و در خدمت به پرولتاریا و همه زحمتکشان شوروی به کشوری صنعتی و مدرن تبدیل کرد، فاشیسم را در هم کوبید و بشریت را از سلطه گسترده فاشیسم رهانید. کلیه تجارب مثبت و منفی ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی را در آثار بی نظیرش جمع بندی نموده و به صورت گنجینه‌ای گرانبها به پرولتاریای بین‌المللی تقدیم کرده است.

رهبری که به توده‌های کارگر و زحمتکش عمیقاً عشق می‌ورزید، در مبارزه با سرمایه‌داری در تمام اشکالش و خرده بورژوازی نفوذ کرده در حزب، بسیار سخت و نرمش ناپذیر بود. این عدم نرمش یک شیوه انقلابی است. باید با افکار و نظرات خرده بورژوازی در حزب همانند ژوزف استالین با صلابت، سخت و بی نرمش بود.

پرولتاریا در سطح جهانی و در سطح ملی به رهبری همچون استالین نیاز دارند. پرنرمش در مقابل توده‌های استثمار شده و ستم دیده و نرمش ناپذیر در مقابل عناصر مرتجع و افکار خرده بورژوازی در حزب.

ما یاد رفیق استالین را گرامی می‌داریم و صد و چهل و سومین سال تولد او را به پرولتاریا، زحمتکشان و نیروهای مترقی تبریک می‌گوئیم.

از رفیق استالین و دستاوردهایش بیاموزیم!